

فصل اول

امید به ماشیح

۳۵۰۰ سال است که یهودیان در انتظار آمدن ماشیح و نجات دهنده ای هستند که با پرداخت فدیة آنها را از گناه آزاد کند. خداوند توسط حضرت موسی فرمود:

« نبی را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهیم کرد و کلام خود را بدعوتشان خواهیم گذاشت و هر آنچه باو امر فرمایم بایشان خواهد گفت و هر کسی که سخنان مرا که او به اسم من گوید نشنود، من از او مطالبه خواهیم کرد. »

(تورات مقدس، کتاب تثنیه، باب ۱۸ آیه ۸ و ۱۹)

آیات فوق نشان میدهد که ماشیح از میان قوم اسرائیل خواهد آمد و پیامبر بزرگی خواهد بود و کلام خداوند بر زبان او جاری خواهد شد. و ادامه میدهد: افرادی که تعداد زیادی از ربای های یهودی عقیده دارند ماشیحی — پیر — مورد بازخواست و قضاوت خداوند قرار میگیرند. (۱)

امید به ظهور ماشیح نقطه مرکزی و برجسته زندگی ایمانداران یهودی است. تمام دعا های معتقدین وفادار و تعلیمات ربانیم در طول قرن ها بر این امید پایه گزاری شده است. گر چه خیلی از اعتقادات در باره ماشیح در طول این قرون بطرز حیرت انگیزی تغییر کرده است! تا آنجا که در سالهای ۴۰۰-۴۵۰ قبل از میلاد عقاید ربانیم

در مورد ماموریت، خصوصیات، اصل و سرنوشت ماشیح کاملاً متغایر با عقاید ربانیم مدرن است. (۲)

در کتاب مقدس تنخ (۳) جملات زیادی دیده میشود که ربانیم قدیمی آنها را مربوط به ماشیح میدانستند و ربانیم مدرن امروزی تفسیری بر خلاف آن دارند و رابطه پیشگوئیها را با ماشیح نفی میکنند. در حقیقت عمل آنها انکار در پذیرفتن بخشهائی از کتب مقدسه یهودی است که در طول هزاران سال در ارتباط با ماشیح موعود تفسیر میشد. چگونه چنین امری امکان دارد؟ چرا راب های مدرن موقعیت خود را در برابر پیشگوئیهای مربوط به ماشیح تغییر دادند؟ و چه عاملی در پس پرده این تغییر حیرت انگیز وجود دارد؟

اگر عقاید ربانیم قدیمی را بررسی کنیم باین نتیجه میرسیم که در تضاد کامل با تفاسیر و اعتقادات ربانیم امروزی و از سوی دیگر در تطابق کامل با اعتقادات مسیحیان در مورد خصوصیات، نسب نامه، تولد، ماموریت و سرنوشت ماشیح است. با تمام این وجود بعضی از دانشمندان یهودی قرن بیستم مسیحیان را متهم میکنند و اعتقادات آنان را در مورد اینکه ماشیح پسر خدا و از مادری باکره متولد خواهد شد و خواهد آمد تا بار گناهان مردم را بدوش خودگیرد، شکنجه ببیند، بمیرد و دوباره بازگشت کند را ساختگی میدانند و بتمسخر میگیرند. در این باره بنوشته یکی از دانشمندان یهودی قرن بیستم بنام ساموئل لوین (۴) توجه بفرمائید:

«آنطور که میدانید تقریباً هزار سال قبل از ظهور عیسی یهودیان در اسرائیل زندگی میکردند و در باره ماشیح ادراکی قاطع و ایمانی محکم داشتند و میدانستند که او چگونه خواهد بود. تا اینکه مسیحیان آمدند و تصویر متغایری از ماشیح دادند که کاملاً با ایمان آنها متضاد بود (پسر خدا؟ خدا در بدن انسان؟ متولد از مادری باکره؟ مرگ و برخواستن از مردگان؟ و سرانجام بازگشت مجدد!). باین ترتیب پیروان عیسی ناصری

افکار و ایده‌هایی را که موجود بود تغییر دادند. پس ثبوت ادعاها بعهده خودشان است.» (۵)

در صفحات بعد «ثبوت ادعاها» بررسی میکنیم تا ببینیم چه حقایقی را آشکار میکند. در طول ایام سفر میکنیم و در این سفر طولانی با هم عقاید و تفاسیر ربانیم قدیم و جدید را کنار هم قرار میدهیم. تغییراتی را که از آن بعنوان حیرت انگیز یاد کردیم به آسانی میتوان با مقایسه این نوشته‌ها در طول ۲۳۰۰ سال گذشته در باره ماشیح پیدا کنیم.

مطمئن هستیم که شما هم ممکن است مثل من از مطالعه نظریات ربانیم قدیم دچار حیرت شوید. زیرا گفته‌های آنها با آنچه که توسط راب‌های مدرن امروزی عنوان میشود یکصد و هشتاد درجه فرق دارد و کاملاً بر عکس اعتقادات امروزیها است. اگر چه مطمئن هستیم که اکثریت یهودیان عصر حاضر با تعالیم و تفاسیر ربانیم قدیمی آشنا نیستند.

بررسی نوشته‌های قدیمی آشکار میکند آنطور که ساموئل لوین ادعا میکند در باره ماشیح موعود هرگز «ادراکی قاطع و ایمانی محکم» وجود خارجی نداشته است. در طول قرون و اعصار افکار و تعبیر ربانیم در خصوص ماموریت و سرنوشت ماشیح یکنواخت نبوده و تفاسیر مختلفی اظهار شده است و در مورد آن‌ها در این نوشته‌ها به تفصیل بحث و بررسی شده است. گفته‌های مربوط به ماشیح موعود در تلمود و میدراشیم نمایانگر نظریات ربانیم مکتب‌های مختلف است.

با دقت در مطالعه این اعتقادات متوجه میشویم که در اغلب موارد اعتقادات ربانیم قدیمی با اعتقادات مسیحیان در باره تولد، خصوصیات، ماموریت و سرنوشت ماشیح موعود یکسان است و مسیحیان نه تنها آنها را تغییر ندادند بلکه پذیرفتند و گرامی داشتند. بنابراین ثبوت اظهارات ربانیم مدرن و تغییر بنیادی در تفاسیر و

تعالیم ربانیم قدیمی در بارهٔ ماشیح فقط و فقط بر شانیه ربانیم مدرن سنگینی میکند و بر عهدهٔ آنها است تا دلائل خود را در انکار تعالیم ربانیم قدیم و یا تضاد خود را با ربانیم قرون قبل بیان کنند.

آنچه منتقدین میپرسند

بعنوان شخصی که معتقد به خداوند نبوده، بعد از پایان تحصیلات علمی در پزشکی، با خودم در بارهٔ زندگی و ادعاهای عیسیای ناصری در کشمکش بودم. طی سالهائی که در کالج و مدرسه پزشکی درس میخواندم با خودم تصوراتی پیچیده و عجولانه ای در بارهٔ اعتقادات، حدسیات، فرضیه ها، علل مرکزی فکری برای بررسی زندگی و ادعاهای عیسیای ناصری و حتی وجود خارجی او داشتم. میدانستم که زندگی و تعالیم او اثر غیر قابل انکاری بر تاریخ بشریت داشته و همین امر مرا از نفی او بر حذر میداشت.

عیسای ناصری بعنوان ماشیح، پسر خدا و خدا در بدن انسان مورد عبادت و ستایش بیلیونها نفر، شامل میلیونها یهودی، بوده و بیشتر از نوزده قرن تنها نجات دهنده شناخته شده است. در حقیقت در طول دو قرن گذشته تعداد بیشتری از یهودیان او را به عنوان ماشیح پذیرفته اند. (۶) و (۷)

از طرف دیگر طی ۱۹ قرن گذشته از سوی اکثریت رهبران یهودی و خیلی دیگر او مورد انکار و تمسخر قرار گرفته تا جائیکه در خیلی از فامیلهای مومن یهودی ایمان به مسیحیت در حکم از دست دادن میراث یهودیت تلقی میشود و گروهی از آنها نیز قبول مسیحیت را برابر با مرگ میدانند. در صورتیکه اگر شخصی لامذهب، بودائی، مسلمان و یا حتی منکر خدا باشد، او را در اجتماعات یهودی با آغوش باز می پذیرند.

دلیل این ضدیت و انشقاق چیست؟

این عکس العمل عجیب و غیر منطقی سوالات زیادی پیش می‌آورد. چرا عیسی ناصری تا این حد مورد حمله رهبران یهودی قرار دارد؟ آیا پذیرش عیسی توسط یهودیان و ربانیم و حتی اعضای سن هدرین نتیجه ساده‌تعبیر متفاوت پیشگوییهای عهد عتیق است؟ آیا رد و انکار ماشیح موعود توسط نویسندگان عبرانی کتب مقدسه پیش بینی شده بود؟ آیا پذیرفتن عیسی بعنوان مسیح از سوی یهودیان نتیجه بر خواستن او از مردگان است، آنطور که در کتب انجیل ذکر شده است؟

سوالاتی از این قبیل که مربوط به عیسی میشد باعث سرگردانی من بود. نمیتوانستم باور کنم اشخاصی که بیشتر از هزار سال منتظر ظهور ماشیح بودند، هنگامی که او آمد نتوانستند او را بشناسند. همه این امر را قبول دارند که ربانیم قدیمی اطلاعات دقیقتر و بیشتری از کتب مقدسه و زبان عبری داشتند که در سطح بالاتری نسبت به معلومات امروزی بوده. (۸) در نتیجه غیر منطقی بنظر میرسید نجات دهنده ای را که پس از سالها مطالعه کتب مقدسه ظهور کرده بود، انکار کنند. از این تعجب میکردم که آیات کتاب مقدس را که معمرین کلیساهای اولیه مربوط به ماشیح میدانستند مورد قبول ربانیم قدیمی بوده یا نه؟ آیا مسیحیان اولیه با جستجوی تنخ آیات فوق را به زندگی و ادعاهای عیسی مربوط میکردند و آیا متونی را که آنها در باره عیسی تفسیر میکردند همان متون مقدسی بود که در روزگار عیسی مورد پذیرش ربانیم بوده یا نه؟ و بالاخره اینکه آیا شخصی با اسم عیسی ناصری شخصیتی حقیقی و تاریخی بوده یا اینکه شرح حال و تعلیمات او ساختگی و افسانه ای است که بر پایه نوشته های عهدعتیق توسط ربانیم آنروز و برای نشان دادن ماشیح ایده آل تصویر شده است.

انکار تاریخی عیسی ناصری روشی است که منتقدین کتب مقدسه و بعضی از ربانیم در طول قرن ها بآن متوسل شده اند تا زندگی و تعلیمات این نجار ناصری را بپوته فراموشی بسپارند. ولی پذیرش گفته های آنها در برابر چند سوال جوابی ندارد. از جمله آنکه: اگر عیسی ناصری وجود نداشته در برابر شهادتهای کلیسای اولیه چه جوابی دارید؟ چگونه بود که یهودیان و رومی ها با تمام قدرت مردمی را که به یک فرد غیر تاریخی «که بزعم آنها وجود نداشته» معتقد بودند، مورد باز خواست و تعقیب قرار میدادند؟

کلیسای اولیه تقریباً کاملاً یهودی بود. با وجود زجر و شکنجه و آزار و تعقیب و اعلام خطرهای رهبران یهودی هزاران یهودی ماشیح بودن عیسی ناصری را پذیرفتند و در زمره پیروان او درآمدند. با مطالعه تاریخ در میابیم که در چند قرن اول بعد از میلاد صدها هزار نفر بعلت اعتقاد به ماشیح بودن عیسی ناصری بقتل رسیدند. (۹) چرا قبول الوهیت عیسی آنقدر مهم بود که مادران یهودی حاضر بودند شاهد بقتل رساندن فرزندان خود باشند و سزار را عبادت نکنند؟ چرا هزاران نفر از مسیحیان قرن اول اعم از یهودی و غیر یهودی مرگ روی صلیب، سنگسار شدن، سر بریدن، تکه تکه شدن بوسیله شیر، زنده در آتش سوختن و یا در دیگ روغن سرخ سوخته شدن را بخاطر اعتقادشان به عیسی می پذیرفتند. چگونه بعضی از یهودیان ثروت مادی و زندگی معنوی خود را وقف او میکردند و در عین حال اکثریت رهبران یهودی او را نفی و لعنت میکردند. آیا رسالت عیسی فقط توطئه ای تنظیم شده برای اقناع پیشگویی ها بود؟ و یا شاید بعد از مرگ او بر روی صلیب از طرف پیروانش تبدیل به ماشیح شد. آیا زندگی این نجار ناصره ای با پیشگوییهای که در باره مأموریت و سرنوشت ماشیح شده بود و ربانیم زمان او در انتظار برآورده شدن آنها بودند، مطابقت داشت، یا اینکه زندگی او مرگ تاثیر انگیز یک دیوانه و یا بدتر از آن نقطه پایان یک حقه باز و کلاهبردار

بود؟ چند سوال بالا از جمله سوالاتی است که من به آنها پاسخ خواهم داد.

اگر شما لامذهب هستید و یا اصولاً بوجود خدا معتقد نیستید و یا حتی اگر فردی یهودی مومن هستید، مسلماً با ادعای عیسی ناصری و اثر خارق العاده ای که این مرد در روی کره زمین داشته، درگیر بوده اید. اگر او واقعاً شخصیتی تاریخی بود، باید آثار وجودی او را تحقیق کنیم و دریابیم، زیرا آنقدر ضد و نقیض در باره او شایع شده که به آسانی نمیتوان از آنها گذشت. برای ارزشیابی بیطرفانه ادعاهای عیسی من تصمیم گرفتم از شواهدی مثل آثار غیر مذهبی تاریخی، نوشته های مذهبی و کتب مقدسه یهودی و یادداشتهای ربانیم قدیمی استفاده کنم تا تصویری حقیقی از ماشیح موعود اخذ کنم. سپس یافته های خود را با زندگی و تعلیمات عیسی ناصری مقایسه کردم. نتیجه حیرت انگیز و تکان دهنده بود زیرا نظر کاملاً جدیدی از زندگی، خصوصیات، مأموریت و سرنوشت ماشیح بدست آوردم.

متأسفانه امروزه اغلب یهودیان نظریات مخصوص، منحرف و زائیده از تعصب کورکورانه ای در باره ماشیح ارائه میدهند که منکر تمام عقاید صحیح و برجسته دانشمندان قدیمی یهودی است. امید من آنست که ارائه مدارک و شواهدی که در این کتاب ذکر میشود به فهم صحیح و دقیق نقطه مرکزی ایمان یهود یعنی امید به ظهور ماشیح بیانجامد.

امید به ماشیح

عملاً امید به آمدن ماشیح به فرموده موسی در فصل هیجدهم کتاب تثنیه برمیگردد. اما هزاران سال است که ربانیم متوجه شده اند که قول آمدن یک شفاعت کننده برای بشر از زمان حضرت موسی خیلی پیشتر داده شده و به باغ عدن منجر میشود. از آن پس این وعده در تمام کتب تنخ تکرار شده. حتی ملاکی که آخرین نبی در اسرائیل بود،

از آن یاد کرده است. وعده ماشیح در کتاب مقدس آنقدر مهم و برجسته است که یکی از نویسندگان تلمود نوشت:

«تمام پیشگوئیهای انبیاء فقط در باره روز ماشیح است.» (۱۰)

در فصل سوم کتاب پیدایش می بینیم بعد از آنکه آدم و حوا دچار وسوسه شدند و گناه کردند، قول آمدن شفاعت کننده بشر داده شده. بعد از ارتکاب گناه آدم و حوا چنین میخوانیم که خداوند مار را لعنت کرد و قول داد که سرانجام «ذریت زن سر شیطان را خواهد کوبید.»

«پس خداوند به مار گفت چون که این کار را کردی از جمیع بهائم و از همه حیوانات صحرا ملعون تر هستی. بر شکمت راه خواهی رفت و تمام ایام عمرت خاک خواهی خورد. و عداوت در میان تو و زن و در میان ذریت تو و ذریت وی میگذارم. او سر تو را خواهد کوبید و تو پاشنه ویرا خواهی کوبید.» (۱۱)

جملات بالا اولین نبرد روحانی بین خوبی و بدی را در روی کره زمین شرح میدهد و از «ذریت زن» و ذریت شیطان صحبت میکند که به نبرد نهائی بین ماشیح و شیطان منجر میشود. این مطلب را ربانیم قدیمی دریافته بودند و میدانستند که یک سوی این نبرد «ماشیح» است که در برابر شیطان می جنگد.

کتاب تارگوم اورشلیم در تفسیر آیه ۱۵ باب سوم پیدایش مینویسد:

«چنان خواهد بود که وقتی پسران زن تورات را با دقت و علاقه مطالعه کنند و فرامین آنها بکار ببندند، سر تو را خواهند کوبید و تو را خواهند کشت. ولی اگر پسران زن فرامین تورات را کنار بگذارند و اطاعت نکنند، تو (شیطان) پاشنه آنها را خواهی کوبید. اگر چه برای آنها (پسران زن) علاج خواهد بود

ولی برای تو علاج نخواهد بود. آنها در نهایت، در روزهای آخر
با هم صلح خواهند کرد؛ در روزهای پادشاهی ماشیح» (۱۲) (۱۳)

در این تارگوم بوضوح دیده میشود که پیشگوئی فصل سوم کتاب
پیدایش (آیه ۱۵) مربوط به ماشیح دانسته شده و افرادی را در
برمیگیرد که از فرامین تورات مقدس با دل و جان اطاعت میکنند. بر
اساس این تفسیر «علاجی» که برای بشر وعده داده شده، توسط ماشیح
تامین میشود. یعنی آنکه: ماشیح علاج گناه بشر خواهد بود و بشر را
با آفریننده اش آشتی خواهد داد. نتیجه میگیریم که حتی قبل از اولین
ارتکاب گناه در باغ عدن، نقشه خداوند برای نجات انسان بر اساس
شفاعت ماشیح قرار داشت. هر کس که تلمود یا ادبیات ربانیم قدیم را
مطالعه کند، درمیابد که در همه آنها از ماشیح بعنوان «مقدس
اسرائیل»، «شفاعت کننده اسرائیل»، «بیگناه مطلق» و عناوین پر جلال
دیگر یاد شده است. در بین این عناوین تأکید اصلی بر خصوصیات
روحانی او «مبرا از گناه» و «شفاعت» او است که در طول مدت زندگی
او انجام خواهد گرفت. همینطور متوجه میشویم که ماموریت و کار
اصلی ماشیح آشتی دادن خدا با بشر است.

امید در ایام تلمود

«دنیا آفریده نشد مگر تنها بخاطر ماشیح» (۱۴)

کتاب عهد عتیق «تنخ» بین سالهای ۱۴۵۰ تا ۴۵۰ قبل از میلاد
بزبانهای عبری و آرامی نوشته و جمع آوری شد. در سال ۲۸۵ قبل از
میلاد مجموعه قوانین مدون یهودی کامل و بزبان معمولی روز، یونانی،
ترجمه شد. کتب مقدسه ای که امروز در دسترس ما است بدقت مورد
بررسی قرار گرفته و مسلم شده است که تقریباً با متونی که در ۲۸۵
قبل از میلاد ترجمه شده، یکسان است.

پس از بازگشت یهودیان از اسارت بابل‌ها، ربانیم شروع به جمع آوری تفاسیری از مجموعه متون عبری کردند. تفاسیری که در ابتدا بصورت شفاهی انتقال می یافت در قرن دوم میلادی بصورت نوشتاری و تحت نامهای میشنا، تلمود، تارگومیم و میدراشیم در آمد. این تفاسیر قدیمی همه جنبه های قانونی یهودیت را اعم از رسوم و قوانین اجتماعی (مثل ازدواج، طلاق، مالکیت و استفاده از زمین، ...) را در بر میگیرد و مهمتر از همه شرح کاملی از نسب نامه، ماموریت و سرنوشت ماشیح را بیان میکند. نوشته ای که از تلمود بابلی، سنهدرین b۹۸ در بالای این صفحه ذکر شده است، نظریه شکوهمندی را که ربانیم دوران تلمود (۲۰۰ قبل از میلاد تا ۵۰۰ میلادی) در باره ماشیح معتقد بودند، نشان میدهد. کتب میشنا، تارگوم ها، تلمود و میدراشیم (۱۵) ماشیح را آنچنان پر جلال و عظیم نشان میدهند که میتوان گفت اصل و نسب، ماموریت و سرنوشت ماشیح نقطه مرکزی و هدف اصلی ربانیم از نوشتن این مجموعه های ارزشمند است و حتی زمان آمدن او در این تفاسیر مورد بحث قرار گرفته است. این نکته آنقدر فکر ربانیم را بخود مشغول داشته که بگفته آنها پیشگوئیهای که راجع به ماشیح و ماموریت و سرنوشت او شده، بطور مرعی و غیر مرعی در تمام متون مقدس مذهبی ذکر شده است. ربانیم دو نوع پیشگوئی را راجع به ماشیح در عهد عتیق پیدا کرده اند. پیشگوئیهای که زندگی، تولد، نسب نامه، خصوصیات، ماموریت و سرنوشت او را تعیین کرده و نبوتهای که در مورد تشابهات در لفافه ذکر شده است. آلفرد ادرشایم (۱۶) دانشمند برجسته و محقق جستجوکننده ماشیح در قرن نوزدهم مینویسد:

« مطالعه دقیق و عمیق یادداشتهای ربانیم نشان میدهد که ... چنان عقیده های مثل وجود ازلی ماشیح، ارتقای او در سطحی بالاتراز موسی و حتی فرشتگان، خصوصیات زندگی او، شکنجه بیرحمانه و مورد تمسخر قرار گرفتن، مرگ وحشتناک او برای

پیروانش، کار او برای زنده ها و مرده ها، شفاعت او و دوباره بنا کردن اسرائیل، مخالفت امت ها، قضاوت ناتمام و پذیراشدن او، پخش و انتشار تعالیم، برکات جهانی در روزهای آخر و پادشاهی و ملکوت ماشیح را بوضوح میتوان از نوشته های ربانیم قدیم استخراج نمود.» (۱۷) و (۱۸)

نوشته هائی که آلفرد ادرشایم ذکر میکند همان کتبی است که من سعی دارم تصویری از ماشیح را بر مبنای آنها بیابم. در کتاب تلمود، ماشیح فردی بالاتر از انسان و برتر از پیامبر است. لفظ ماشیح بمعنای «تدهین شده» است. اگر چه در طول تاریخ اسرائیل پادشاهان، انبیاء و پیامبرانی مسح شده هستند ولی فقط یک ماشیح وجود دارد و چنانکه با بررسی متون قدیمی عبری در میابیم، ماشیح نه تنها یک پیامبر و شفاعت کننده بلکه «خدا در بدن انسان» است.

با مطالعه نوشته های ربانیم قدیمی و تصویری که از ماشیح در کتاب مقدس تنخ ترسیم شده، سعی بر آن دارم تا بفهمم آیا عیسای ناصری یا شخص دیگری در طول تاریخ واجد شرایطی است که در انتظارش بودند.

۱- بر طبق میدراش تان هوما (Midrash Thanhuma) ربای لوی گرشون (Levi Gershon) در قرن چهاردهم آیات فوق را به ماشیح منسوب دانسته و اشاره میکند که ماشیح برتر و بالاتر از موسی خواهد بود. اگر چه میدراش ادعا نمیکند که این آیه مربوط به ماشیح است ولی نتیجه گیری ربای لوی گرشون از آن این است که پیامبر فوق ماشیح است. برای مطالعه بیشتر در مورد نسبت دادن این آیات به ماشیح توسط ربانیم به کتاب (Messianic Prophecy): نوشته Rachmiel Frydland، چاپ ۱۹۸۰ مراجعه فرمائید.

۲- این زمان دورانی است که ربانیم شروع به نوشتن تلمود، میدراش و میشنا کردند.

۳- منظور از تنخ (Tanakh) کتاب مقدس یهود است که یهودیان ارتدکس به آن اعتقاد دارند و شامل تورا (قانون)، نوی ئیم (انبیاء) و کتوویم (نوشته ها) است. در این کتاب ما این مجموعه مقدس را تحت نام کتاب عهد عتیق که نامی دیگر برای تنخ است نام میبریم.

۴- Samuel Levine

۵- نقل از کتاب ساموئل لوین تحت نام «عیسی مال تو، خدا مال من» چاپ ۱۹۸۰

۶- در بین شهادتهای دکتر آلفرد ادرشایم (Dr. Alfred Edersheim) که یکی از محققین دانشمند یهودی است، او در کتاب خود بنام «زمان و زندگی عیسی مسیح» مینویسد: ربانیم قدیمی بیشتر از ۴۵۶ مورد را که به ماشیح مربوط میشود، در عهد عتیق یافته اند. دکتر ادرشایم در خانواده ای ارتدکس یهودی متولد شد و بعدها پس از تحقیق و مطالعه پیشگوئیهای مربوط به ماشیح، عیسی مسیح را بعنوان ماشیح و نجات دهنده پذیرفت و باو ایمان آورد.

۷- بر طبق آمار (Ariel Ministries) امروز حداقل بیشتر از یکصد هزار یهودی ماشیح بودن عیسی را قبول دارند.

۸- اگر به صحت این ادعا شک دارید از شما دعوت میکنیم ترجمه تنخ

را که از سوی موسسه انتشاراتی یهودی (Jewish Publication Society) در سال ۱۹۸۵ انتشار یافته ببینید. تقریباً در پانویس تمام صفحات این ترجمه در مورد صدها لغت عبری، ذکر شده است «معنی شناخته نشد». مسلماً نویسندگان آن «لغات ناشناخته» معنی آنها را میدانستند اگر نه در نوشتن متون مقدس از آنها استفاده نمیکردند!

۹- به کتاب Foxe's Book of Martyrs مراجعه بفرمائید.

۱۰- تلمود بابلی سنهدرین ۹۹

۱۱- کتاب پیدایش- باب ۳ آیات ۱۴ و ۱۵

۱۲- تارگوم های اورشلیمی بزبان آرامائیک و تفسیری از تنخ هستند که بین سالهای ۲۰۰ قبل از میلاد تا ۲۰۰ میلادی جمع آوری شده.

۱۳- ماشیح، ترجمه آرامی، از کتاب

The Messianic Exegesis of The Targum نوشته Samson H. Levy چاپ

شده توسط Hebrew Union College, Jewish Institute of Religion, 1974

۱۴- تلمود بابلی، سنهدرین ۹۸b

۱۵- برای تحقیق بیشتر در مورد این کتب به ضمیمه ۱ در انتهای این کتاب مراجعه بفرمائید.

۱۶- Alfred Edersheim

۱۷- منظور وجود ماشیح حتی قبل از خلقت جهان و کائنات میباشد

۱۸- از کتاب «زمان و زندگی عیسی مسیح»، چاپ مکدونالد،

صفحه ۱۶۴-۱۶۵، سال ۱۸۸۳

